

تبیین و کنکاشی پیرامون بنیانگذاران و تفکرات بنیادین اخوان المسلمین

در مصر و سوریه

علیرضا ایمانی^۱ و سید محمد مهدی پوریزدان پرست^۲

تاریخ دریافت: ۰۳ / ۱۲ / ۱۳۹۸

تاریخ پذیرش: ۱۵ / ۰۱ / ۱۳۹۹

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی و شناخت بنیانگذاران سازمان اخوان المسلمین در مصر و سوریه و تفکرات بنیادین که این تشکل در این دو کشور بر مبنای آن شکل گرفته‌اند، انجام شد. به منظور دستیابی به اهداف این پژوهش ابتدا به بررسی تاریخچه اخوان المسلمین بر مبنای بنیانگذاران و سیر تاریخی پرداخته شد و سپس در جمع‌بندی مختصر ادوار تاریخ اخوان از ابتدای شکل‌گیری تا کنون مورد بررسی قرار گرفت. هم‌چنین تفاوت عملکرد اخوان المسلمین در مصر که رویکردی اجتماعی و تربیتی داشت و اخوان المسلمین در سوریه که در مدت کوتاهی به تقابل و درگیری و حرکت‌های خشونت‌بار روی آورد مورد بررسی قرار گرفت. سپس به بررسی اندیشه بنیادین اخوان المسلمین در مصر به‌عنوان مرکز اصلی آن و اندیشمندان پایه‌گذار اندیشه جمعی این تشکیلات در وجود مختلف معرفتی تا سیاسی پرداخته شد. در این میان دو چهره اصلی یعنی حسن البناء و سید قطب مورد بررسی قرار گرفتند. سپس بررسی اندیشه‌های بنیادین اخوان المسلمین در سوریه مورد بررسی و علت بروز رفتار متفاوت میان این دوشاخه مهم این سازمان مورد کنکاش قرار گرفت. در نهایت با توجه به داده‌های موجود به نتیجه‌گیری در مورد چرایی تفاوت عملکرد این دوشاخه سازمانی در این دو کشور پرداخته شد.

کلید واژه‌ها: اخوان المسلمین مصر، اخوان المسلمین سوریه، حسن البناء، سید قطب، بنیادگرایی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): ایمانی، علیرضا و سید محمد مهدی پوریزدان پرست (۱۳۹۹، تابستان). «تبیین و کنکاشی پیرامون بنیانگذاران و تفکرات بنیادین اخوان المسلمین در مصر و سوریه». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره دوم، صص ۱۰۲-۸۳.

^۱ دانشجوی گروه تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. ایمیل: imani745@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری رشته تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران. ایمیل: smmpyp@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رعایت شرایط، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین جنبش‌های اسلامی معاصر که تأثیرات شگرفی بر مصر و چندین کشور اسلامی دیگر نهاد و به‌مرور به بزرگ‌ترین تشکیلات اسلامی در عصر معاصر مبدل شد، اخوان المسلمین است. این سازمان در شرایطی که مصر از نظر سیاسی، اجتماعی، دینی و اقتصادی در وضعیت بحرانی قرار داشت، تشکیل گردید و از یک‌سو برای حاکمیت تعالیم اساسی اسلام در زندگی اجتماعی و سیاسی کوشید و از سوی دیگر می‌خواست معتقدات اسلامی را از حالت ایستا و خمودگی خارج نماید.

رفته رفته تمام شمال آفریقا و کشورهای اسلامی مهم نظیر ترکیه، پاکستان، مالزی، اندونزی، اردن، سوریه، سودان شاهد شکل‌گیری و رشد سریع شاخه‌های اخوان گردید. آنچه همه‌ی این شاخه‌ها را به هم متصل می‌ساخت در وهله نخست عقیده بود. تلاش مشترک برای برقراری حکومت اسلامی که شاه بیت آن در اجرای احکام اسلامی نهفته بود. اخوان به‌عنوان یک جنبش میانه‌روی اسلامی از پایگاه وسیع مردمی برخوردار است. لذا در هر جا که باب انتخابات آزاد گشوده شود، اخوان می‌تواند با تکیه بر تشکیلات نیرومند خود ملت‌ها را بسیج کرده و با کسب رأی آنان در حاکمیت برای خود جایگاهی دست و پا کند.

نقش کنونی اخوان مصر که به سطح مدیریتی مصر به‌عنوان جایگاه فکری و مذهبی اهل سنت مطرح است دست یافته و نقش اخوان سوریه به‌خاطر نقش آفرینی جدیدی که همراه با مخالفین حکومت سوریه در جهت براندازی نظام بشار اسد دارد و تعارض میان عقاید بنیادین اخوان از جمله آرمان فلسطین و وحدت اسلامی و عدم دست زدن به خشونت و ... و اخوان در ترکیه، تونس و دیگر کشورهای اسلامی نیازمند شناخت دقیق‌تر مبانی فکری این تشکیلات است.

۲. تاریخچه اخوان المسلمین و بنیان‌گذاران آن در مصر و سوریه

۲-۱. اخوان المسلمین مصر

حسن البناء در سال ۱۹۲۵م. در حالی که نوزده سال بیش‌تر نداشت مجله فتح را با هدف مبارزه با پدیده استعماری اسلام‌زدایی در مصر تأسیس کرد و در سال ۱۹۲۷م، به‌عنوان معلم در مدارس مصر به‌تدریس روی آورد. وی در سال بعد، در ۲۲ سالگی، به کمک جمعی از هم‌فکران خود، جنبش اسلامی اخوان المسلمین مصر را بنیان نهاد و سپس با حمایت‌های مالی مردم، مسجدی را برای فعالیت این جنبش، ایجاد نمود. البناء در مساجد، مراکز فرهنگی و عمومی مثل قهوه‌خانه‌ها درباره‌ی مسائل ایدئولوژیک اسلامی سخنرانی می‌کرد و کسانی که تحت تأثیر حرف‌های وی قرار می‌گرفتند را به جلسات خصوصی دعوت می‌کرد و از همین افراد کادر اصلی را برای سازمان انتخاب می‌نمود.

حسن البناء پس از ورود به اسماعیلیه نقش فعالی بر عهده گرفت و با تدریس و سخنرانی در مجامع عمومی توانست با شخصیت‌ها و مردان مذهبی شهر آشنا شود. او در کنار تدریس روزانه در دبیرستان در برنامه‌های کلاس شبانه به آموزش اولیای اطفال هم مشغول بود.

تأثیر استعمار و حضور اشغالگران انگلیسی و اختلاف سطح زندگی میان آن‌ها که کاخ نشین بودند و کارگران آلونک نشین، قلب حسن را سخت به درد می‌آورد. در ذی القعدة ۱۳۴۷ (مارس ۱۹۲۸) طبق گفته‌ی البناء شش کارگر اردوگاه محل به دیدن او آمدند، و با سخنان ایشان در واقع بنیاد اخوان المسلمین به‌طور رسمی نهاده شد. نام گروه توسط البناء این‌گونه انتخاب شد:

«گفتم ما برادرانی در خدمت اسلام باشیم پس اخوان المسلمین هستیم. بدین ترتیب لفظ اخوان المسلمین به‌طور ناخود آگاه بر زبانم جاری شد و اولین هسته‌ی اخوان المسلمین با شرکت این شش نفر به‌وجود آمد» (البناء، ۱۳۷۴: ۱۰۰).

در ابتدا فعالیت‌های آنان جنبه‌ی نیمه مخفی داشت و برای گسترش جنبش از جزوه، نامه، سخنرانی و ملاقات‌های شخصی استفاده می‌کردند. البناء، به احداث دانش‌سرای عالی اسلامی همت گماشت و جوانان مشتاق علوم اسلامی را با مبانی اسلام آشنا ساخت. شعب جنبش اخوان المسلمین، به تدریج در شهرهای مختلف مصر دایر شد و هنگامی که البناء، مقر خود را به قاهره انتقال داد، بیش از ۱۵۰۰ شعبه در شهرهای مصر وجود داشت. حسن البناء در سرمقاله اولین شماره از مجله ارکان اخوان المسلمین، خط مشی این سازمان را پیروی از قرآن کریم و رسول خدا صلی الله علیه و آله اعلام نمود.

او در سال‌های بعد، با توسعه‌ی فعالیت‌های اسلامی و نیز نگارش نامه‌های مختلف و بعضاً تهدیدآمیز برای سران حکومت مصر و بازداشتن آنان از فساد و انحراف و دعوت آن‌ها به تعالیم حیات‌بخش اسلام، مورد بغض دستگاه حکومتی قرار گرفت. سال‌های جنگ جهانی دوم، اوج محبوبیت حسن البناء نزد مردم مسلمان و به‌ویژه مردم فلسطین بود. در این سال‌ها، اعضای این سازمان در فلسطین، عملاً به مضاف با یهودیان صهیونیست پرداختند و نقش مؤثری را در دفاع از حقوق ملت فلسطین بر عهده گرفتند. هم‌چنین بی‌ثباتی و تزلزل سیاسی حکومت مصر در جریان جنگ نیز به رشد و اقتدار و موقعیت سیاسی و اجتماعی جنبش اخوان المسلمین و شخص حسن البناء کمک شایانی کرد.

در این سال‌ها، حسن البناء موقعیت ممتازی را در میان نظامیان ارتش مصر به‌دست آورد و همین موقعیت بود که بعدها زمینه‌ساز ظهور جنبش افسران آزاد در ارتش مصر و سر برآوردن جمال عبدالناصر از میان آنان گردید. هم‌چنین در این سال‌ها فعالیت این جنبش به‌سرعت افزایش یافت به‌طوری‌که تعداد اعضا و هواداران آن، در سال ۱۹۴۸م. در حدود دو میلیون نفر بود.

در این سال اخوان المسلمین با حکومت وقت مصر درگیر شد و با کشف توطئه قتل نخست وزیر مصر از طرف اخوان المسلمین، در ۸ دسامبر ۱۹۴۸ وزارت کشور مصر دستور انحلال اخوان را صادر و بلافاصله بسیاری از اعضای آن را روانه زندان کرد. در ۲۸ دسامبر ۱۹۴۸ محمود فهمی نقراشی (نخست وزیر) ترور شد و اخوان المسلمین متهم به قتل وی گردید. با ترور نقراشی دولت جدیدی توسط دوست نزدیک وی ابراهیم عبدالهادی تشکیل شد. عبدالهادی اقدامات شدیدی بر علیه اقدامات زیر زمینی اخوان انجام داد. سرانجام عصر روز ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ حسن البناء در مقابل دفتر سازمان جوانان مسلمان در حال سوار شدن به تاکسی مورد اصابت گلوله قرار گرفت و چند دقیقه بعد در بیمارستان در گذشت. نتایج تحقیقات و محاکمات بعدی حاکی از این بود، که ترور وی یک حرکت برنامه ریزی شده یا حداقل تأیید شده از جانب نخست وزیر بوده، که به دست مأمورین پلیس به اجرا در آمده است. اخوان المسلمین از این تاریخ به بعد، به یک سازمان مخفی تبدیل شد و رهبران آن با افسران ناراضی مصری ارتباط برقرار کردند. آنان در طی کودتای افسران در سال ۱۹۵۳ م علیه حکومت سلطنتی نقش مؤثری ایفا نمودند.

در فوریه ۱۹۵۰ به طور پنهانی، استاد حسن اسماعیل هضیبی به عنوان مرشد عام اخوان المسلمین و جانشین حسن البناء برگزیده شد. بعد از مرگ حسن هضیبی، در سال ۱۹۷۴ م شیخ عمر تلمسانی رهبر اخوان المسلمین گردید. التلمسانی در دوره‌ای رهبری اخوان المسلمین را به عهده گرفت که دولت مردان مصر به دنبال تنش زدایی با این گروه و جلب همکاری آن به جای تقابل بودند. و بعد از درگذشت وی در سال ۱۹۸۶ م حامد ابونصر جانشین وی تعیین گردید که روش تلمسانی را در پیش گرفت. رهبری ابونصر بر اخوان المسلمین متضمن چالش‌های زیادی بود و او طی ده سال از سال ۱۹۸۶ تا زمان مرگش در سال ۱۹۹۶ که این سمت را بر عهده داشت، فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سر گذاشت. با درگذشت حامد ابونصر، رهبری این گروه در اختیار مصطفی مشهور قرار گرفت؛ پس از او مامون الهضیبی رهبری اخوان را بر عهده گرفت و سپس محمد مهدی عاکف و امروز محمد بدیع هشتمین رهبر و به اصطلاح اخوانیها، «مرشد عام» است. به طور کلی در بحث تاریخچه جنبش اخوان المسلمین می‌توان مراحل زیر را در نظر گرفت:

مرحله اول (تأسیس): این دوران، از بنیانگذاری آن در سال ۱۹۲۸ متوسط شهید حسن البناء شروع می‌شود. در این مرحله، اخوان المسلمین از لحاظ تئوریک و ساختار سازمانی با رهبری مرشد اول و مؤسس آن شکل گرفت و با ترور حسن البناء در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹ متوسط عوامل ملک فاروق و به دستور انگلیس و آمریکا - طبق اسناد موجود - به پایان رسید.

مرحله دوم (همکاری): این مرحله با انتخاب حسن الهضیبی به عنوان مرشد دوم و سقوط نظام پادشاهی در مصر شروع می‌شود. در این مرحله، میان رهبران اخوان و افسران آزاد، همراهی و توافق کامل وجود داشت و سازمان نظامی اخوان، در تغییر رژیم، کاملاً با گروه افسران آزاد، همکاری

کرد، و بدون تردید اگر سازمان نظامی اخوان، در ارتش با آنان همکاری نمی‌کرد، کودتا با موفقیت همراه نمی‌شد.

مرحله سوم (تقابل): «افسران آزاد» به سرکردگی سرهنگ جمال عبدالناصر، با دستگیری رهبران اخوان المسلمین و اعدام برخی از آنان، هم‌چون «شهید عبدالقادر عوده» و «شهید شیخ محمد فرغلی» و دیگران، در تلاش بودند که پایگاه مقاومت مردمی اخوان را نابود کنند و قدرت و سلطه را در انحصار خود قرار دهند که با سرکوب وحشیانه و زندانی کردن هزاران نفر از اعضای اخوان و اعدام رهبران آن، همراه بود. این مرحله با مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ خاتمه پیدا می‌کند. اعدام «شهید سید قطب» و «صالح عسماوی» از آخرین جنایات ناصر قبل از مرگ بود.

مرحله چهارم (آزادی تاکتیکی): این مرحله با به قدرت رسیدن انور سادات آغاز می‌شود. سادات برای مقابله با توطئه‌ی کودتای ناصریست‌ها و کمونیست‌ها، اخوانی‌ها را از زندان آزاد کرد. اخوان المسلمین در این مرحله، تحت رهبری «شیخ عمر التلمسانی» مرشد سوم، به ترمیم و سازماندهی تشکیلات و افشاگری جنایات حکومت فردی و دیکتاتوری ناصر و دوران حاکمیت وی، پرداختند.

مرحله پنجم (تقابل و تضاد): این مرحله با دستگیری مجدد اخوانی‌ها در سال ۱۹۷۹ توسط سادات آغاز می‌شود. اخوان المسلمین انتقادات شدیدی از سیاست سازشکارانه سادات و برقراری صلح ننگین با رژیم اشغالگر فلسطین کردند و نظام با ترفندهای سیاسی و امنیتی و سرکوب آن‌ها و دیگر مخالفین، روند پیوستن به «کمپ دیوید»، را هموار کرد و در این برهه از زمان، زندان‌های مصر، از نو مملو از اخوان و مخالفان شد. این روند تا پایان دوران حسنی مبارک ادامه یافت.

مرحله ششم (انقلاب و رسیدن به حکومت): پس از شروع انقلاب‌های جدید در کشورهای اسلامی، مصر نیز دچار تحول و دگرگونی شد و در اولین انتخابات پس از انقلاب مصر، محمد مرسی از اعضا اخوان المسلمین به ریاست جمهوری مصر رسید. تحولات بعدی را می‌توان در همین مرحله طبقه بندی کرد (رزق، جابر، ۱۳۸۴: ۱۷ و ۱۸).

۲-۲. اخوان المسلمین سوریه

اولین شعبه خارجی اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۷ در دمشق ایجاد شد که دفتر کمیته مرکزی و مسئول تأسیس مراکزی در سوریه و لبنان نیز بود. بنیان‌گذار شاخه اخوانی سوریه شخصی به نام دکتر مصطفی السباعی است که دوست و هم‌دانشگاهی حسن البنا، بنیان‌گذار اخوان المسلمین نیز بود. اهمیت شعبه سوریه اخوان تا آن‌جا بود که پس از ترور حسن البنا و تعطیلی شعبات گوناگون اخوان در مصر و مصادره اموال و دارایی‌های آن، رهبری سازمان مصلحت آن دید که اداره مرکزی

را به دمشق منتقل کند. ریشه‌های اخوان المسلمین سوریه را باید در جمعیت‌های اسلامی یا جوامع خیریه اجتماعی گوناگونی جست و جو کرد که طی اواخر قرن نوزدهم به وجود آمدند. اخوان المسلمین سوریه در ۱۹۳۵ در شهر حلب تأسیس شد. در ۱۹۴۴ که دکتر مصطفی السباعی چندین جامعه اسلامی سوریه را در هم ادغام کرده بود، مقر خود را به دمشق منتقل کرد. وی به‌عنوان ناظر کل (مراقب العام)، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۱ اخوان المسلمین سوریه را با همکاری اخوان المسلمین مصر رهبری کرد. به‌طور کلی فعالیت‌های اخوان المسلمین سوریه را می‌شود به سه مرحله تقسیم کرد.

مرحله تأسیس: اخوان سوریه در سال ۱۹۴۶ توسط شیخ مصطفی السباعی تأسیس شد. سباعی شاخه‌ای از اخوان المسلمین را در شهر حلب تأسیس کرد و طبیعتاً از حلب به شهرهای دیگر مثل حماه و حمص و دمشق هم تسری یافت. از سال ۱۹۴۶ تا ۱۹۶۳ اخوان فعالیت دینی و فرهنگی بسیار گسترده‌ای داشت و این فعالیت علنی هم بود. در واقع، در این مرحله، فعالیت‌های اخوان فرهنگی و علنی است. یعنی ویژگی اصلی اخوان در این دوره علنی بودن فعالیت‌هایش است. خیلی هم گسترده عمل کرد و در همه‌جا شعبه باز کرد. در همه شهرهای سوریه به‌خصوص در مناطق سنی‌نشین که مهم‌ترین آن‌ها حما، حلب و حمص و دمشق است هم دفاتری دائر کرد.

مرحله فعالیت مخفی: سال ۱۹۶۳ با روی کار آمدن بعثی‌ها درگیری میان اخوان با آن‌ها آغاز شد. بعثی‌ها معتقد به وحدت عربی، قومیت عربی، سوسیالیسم و حکومت سکولار بودند و فعالیت اسلام‌گرایانه را برنمی‌تابیدند. لذا کشمکش‌هایی بین رژیم بعث و اخوان پدید آمد که اخوان مجبور شد مخفی شود و فعالیت‌های زیرزمینی و مخفی داشته باشد.

مقابله با نظام بعث سوریه: انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و موجی را در کل منطقه بین اسلام‌گرایان ایجاد کرد. این موج باعث شد که در همه جهان اسلام (اعم از کشورهای عربی و اسلامی) جنبش‌های اسلامی به حرکت درآیند و فقط به فعالیت فرهنگی اکتفا نکنند. در آن زمان درگیری فکری، عقیدتی و سیاسی بین اخوان و نظام بعثی در سوریه بسیار شدید بود. رژیم سوریه فشار زیادی را بر اخوان وارد می‌کرد. در واقع، از سال ۱۹۷۹ به بعد، دوره‌ای است که اخوان مخفی است و دست به فعالیت‌های نظامی می‌زند. در سال ۱۹۸۰ گروه الطلیعه اعلام موجودیت می‌کند. در رأس آن اشخاصی بودند که ظاهراً ارتباطی با اخوان نداشتند اما شخصی به نام «علی عقله» مسئول نظامی آن بود. اخوانی‌ها یک‌باره شروع به برخورد نظامی با رژیم کردند. موجی از ترور و انفجار اتومبیل در دمشق در آن زمان انجام شد. حتی رسید به ترور حافظ اسد. چند نارنجک به جایی که اسد برای پذیرایی از یک میهمان خارجی در قصر الضیافه ایستاده بود پرتاب شد اما عمل نکرد و حافظ اسد از این ترور جان سالم به در برد. در فترت سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲ شاهد درگیری‌های بسیار شدید و نظامی میان اخوان المسلمین و رژیم حافظ اسد بودیم و قتل و عام‌هایی صورت گرفت که اوج آن مسأله حما است. اخوانی‌ها عملاً کنترل شهر حما را در دست گرفتند و ارتش مجبور به محاصره شهر شد و به شکل بسیار خشنی این حرکت را سرکوب کرد و عده زیادی کشته شدند. بعد

از عملیات حمه عملاً اخوان متلاشی شد. بسیاری اعدام شدند و بسیاری به خارج رفتند. مثلاً مرشد عام‌شان آقای عصام العطار به آلمان رفت. این در حالی بود که خواهرش نجاح العطار، وزیر فرهنگ سوریه بود. از سال ۱۹۸۲ به بعد دیگر دوره پراکندگی اخوان، زیرزمینی شدن و توقف فعالیت‌ها و حضور در خارج است.

۳. بررسی تفکرات بنیادین اخوان المسلمین مصر

حسن البناء بنیانگذار اخوان المسلمین در قالب رساله باورها، اعتقادات بنیادین اخوان المسلمین را تدوین و ارائه می‌نماید. این رساله پس از تقسیم‌بندی عقاید به چهار دسته الهیات، نبوت، عالم روحانی، سمعیات، در توصیف نگرش خداشناسانه اخوان با اعلام ارج نهادن اسلام به خرد می‌گوید:

«برادرم، خداوند ما و تو را بسوی حق هدایت فرماید! بدان، ذات خداوند بالاتر از آن است، که در احاطه خرد بشری در آید، یا اندیشه انسانی بتواند آن را درک کند، زیرا خرد و اندیشه بشری هر چقدر بالا رود، از نظر توانایی محدود است. رسول خدا مردم را از اندیشیدن در ذات خدا باز داشته، اما به اندیشیدن در مخلوقات خدا فرمان داده است.»

در این رساله در باب توقیفی بودن صفات الهی چنین آمده است:

«جمهور مسلمانان، چنین باور دارند که روا نیست اسمی یا صفتی را بر خدا اطلاق کنیم، که در شریعت نیامده است یا آنرا عنوانی برای خدا قرار دهیم» (البناء، ۱۳۸۸: ۴۵۹).

سپس با ذکر آیات ۳ حدید، ۸۸ قصص و ۲۶ و ۲۷ رحمان به قدیم و ماندگار بودن صفات خداوندی اشاره کرده و آن‌ها را صفاتی متفاوت از مخلوق توصیف می‌کند:

«آن چه مؤمن باید بدان توجه کند، این نکته مهم است: معنای الفاظی که بیانگر صفات خداست با معنای الفاظی که صفات مخلوق را بیان می‌کند اختلاف کلی و اساسی دارد» (البناء، ۱۳۸۸: ۴۵۹).

حسن البناء در بحث تفسیر قران با باطل دانستن هر دو نگاه فکری مشبیه و مجسمه و در مقابلشان معطله و بعضاً جهمیه به رویکرد دیگری اشاره می‌کند و با توصیف اختلاف میان اعتقاد سلف و خلف باور اخوان را چنین بیان می‌کند:

«ما بر این باوریم که رأی سلف، یعنی سکوت و تفویض علم خداوند، سالم تر برای پیروی کردن است تا ریشه تأویل و تعطیل بر کنده شود» (البناء، ۱۳۸۸: ۴۵۹).

۳-۱. منابع معرفت

مسئله انواع شناخت و معرفت از مهم‌ترین و نخستین مباحث معرفت‌شناسی است که اندیشمندان اخوانی نیز به آن پرداخته‌اند. حسن البنا، درباره مباحث علم، شناخت و معرفت می‌گوید:

«علمی که در زندگی به آن‌ها احتیاج داریم بر اقسامی است:

۱- آن‌چه نیاز به استاد ندارند؛ مانند محسوسات و وجدانیات.

۲- آن‌هایی که استادی برای آن‌ها نمی‌یابیم؛ چراکه بشر توان وصول به آن‌ها را ندارد؛ مانند کیفیت تکوین و ایجاد بین خالق و مخلوق و همچنین فهم ذات و صفات خداوند.

۳- علمی که بشر می‌تواند از راه نظر و استدلال و تجربه آن‌ها را بشناسد؛ مانند ریاضیات و طبیعیات و زراعت.

۴- شعور فطری‌ای که قلوب ما را متوجه آیات آفاقی و انفسی می‌کند تا اموری را بفهمد که حواس و عقل آن‌ها را نمی‌فهمند» (البنا، ۲۰۱۰: ۴۴۱).

۳-۲. اخوان و فلسفه

با این‌که اخوان برای عقل و مباحث عقلی احترام خاصی قائل‌اند، اما همچون دیگر سلفی‌ها، به مباحث فلسفی و فلسفه‌ورزی روی خوش نشان نمی‌دهند، چنان‌که سید قطب معتقد است:

«تصور صحیح اسلامی را نمی‌توان از ابن سینا، ابن رشد یا فارابی و امثال آن‌ها، که به فلاسفه اسلامی معروف‌اند، اخذ کرد؛ چراکه فلسفه آن‌ها در سایه فلسفه یونانی که با روح اسلامی غریبه است رشد کرده است، در حالی که تصور اسلام، که برگرفته از قرآن و سنت است، تصویری کامل است که بین خلق و خالق، عالم هستی و انسان، انسان و خودش، فرد و اجتماع، فرد و دولت و تمام جماعات اسلامی ارتباط برقرار می‌کند» (قطب، ۱۹۹۵: ۲۰).

نظر اخوان در این باب مطابق با دیدگاه ابن تیمیّه است؛ وی فضای مخالفت با فلسفه و منطق را هم‌سو با عقیده امام احمد بن حنبل می‌دید که از فلسفه و کلام و هم‌نشینی با متکلمان منع می‌کرد و می‌گفت «لاتجالسوا أهل الکلام و إن ذبوا عن السنّه». ابن تیمیّه نیز همان موضع‌گیری را داشت و لذا بر فلاسفه و عقاید آن‌ها هجوم می‌برد و در هر مناسبتی بر متکلمان طعن می‌زد و آثاری را به نام الردّ علی الفلاسفه و نقض المنطق نگاشت (عبدالحمید، ۲۰۰۲: ۷۷).

۳-۳. کلام اخوان

اخوانی‌ها کل تفکر موجود در جهان را به پنج قسمت تقسیم می‌کنند: نص‌گرایان (بنیادگرایان تمام ادیان)، باطنی (که در جهان اسلام به تصوف ختم می‌شود)، تجددغریبی (که در جهان اسلام هم امتداد دارد)، ما بعد تجدد (پست‌مدرن‌ها) و وسطیه اسلامی که اخوانی‌ها خود را جزو گروه پنجم می‌دانند. همزمان با پیروزی اخوان‌المسلمین در مصر، کتاب «موقف الاسلام من العقل و العلم» از سوی اخوان منتشر شد. از جمله نظریات اصلی که در این کتاب آمده، این است که خداوند عقل را از تمام قیود آزاد کرده است. کتاب آن سه دسته جریان‌های اسلامی را نیز شرح می‌دهد. به باور اخوانی‌ها، عقل‌گرایان یا فلاسفه هستند یا معتزله. عقل‌گرایی فلاسفه، آزاد از نص است، اما معتزله به نص معتقد هستند؛ اگر چه در صورت تعارض، عقل را مقدم می‌دارند. به نظر اخوانی‌ها اشاعره ضد آن دو دسته عقل‌گرایان هستند و اخوان با توجه به اندیشه وسطیه، خود را در میانه آنان و اشاعره قرار می‌دهند. این، دیدگاه کلامی اخوان اس (فیرحی. ۱۳۹: ۵).

۳-۴. فقه اخوان و سلفیه

اخوان‌المسلمین که قداست تاریخی فقها را زیر سؤال می‌برد، به انسان مسلمان معاصر این نکته را تفهیم نمودند که ضروری است تا از سیطره فرهنگ غلط و قدیمی خود را رهانیده و با نو اندیشی، با زندگی برخورد نموده و در برابر هر امر نو و جدید مقاومت نکنند. باید تقلید بی دلیل از گذشته را طرد کنند زیرا اسلام بعنوان آیین زندگی ساز مطابق زمان پیش می‌رود و وظیفه آن اجتهاد است نه تقلید. اما اولین دستور عملی که با حذف تقلید همراه است فتح باب اجتهاد برای هر مسلمان مجتهد صاحب‌نظر است... این اجتهاد با دو اصل «قیاس و اجماع» همراه است. (السمان. ۱۹۵۸م: ۹۲-۹۳). از نظر فقهی اخوان دیدگاه فقه مقاصدی را دارد. فقه مقاصد از زمان امام محمد غزالی (قرن ششم) آغاز شد. اخوان‌المسلمین تئوری خود را از درون شریعت اخذ می‌کند. به باور اخوانی‌ها فقه را از سه منبع می‌توان به دست آورد: تصریحات شریعت (عدالت، تعقل، حسن خلق، مسئولیت و...)، اشارات قرآنی (چگونگی ویرانی تمدن‌ها و نقل و اشاره به علل زایش و زوال تمدن‌ها) و نگاه کلی به مقاصد احکام. اخوان بخش سوم را برعهده علوم انسانی می‌گذارد. این که مثلاً در فلان کشور کدام حکم مهم‌تر است بر عهده این علوم است. اخوان ابتدا مقصد خود را انتخاب می‌کند و سپس بر اساس آن دانش اجرایی خود را می‌یابد. اولین بحث مهم در این مسیر بررسی علل احکام است. ابتدا سعی می‌شود علل احکام استخراج شود. از این حیث فقه مقاصدی نیازمند به علوم انسانی است. بنابراین، به نظر می‌رسد صبر و تدریج و تحقیق و تحمل در ذات اخوان شکل گرفته است (فیرحی. ۱۳۹: ۶).

اخوانی‌ها کوشش کرده‌اند که حوزه‌ای به نام تولید دانش یا تئوری ایجاد کنند. در همه جای دنیا تئوری به مثابه فیلتر عمل می‌کند، یعنی تصمیم‌گیری‌های افراد را کنترل می‌کند. در فقه مقاصد و یا اخوان به این شکل نیست، بلکه شاهد تئوری هستیم که حد فاصل میان زندگی و نص است. در نتیجه کارشناسان نص همانند فقها با حوزه زندگی به طور مستقیم ارتباط برقرار نمی‌کنند، بلکه این سیاست‌مداران هستند که مستقیم با زندگی رابطه برقرار می‌کنند. بنابراین سیاستمداران با تئوری مرتبط هستند و فقها نیز با تئوری مرتبطند. درست به همین دلیل است که در تئوری اخوان شریعت هست اما نهادهای دینی در دولت حضور ندارند. چراکه فقها تولید تئوری می‌کنند، اما تمامی مسائل در دست مردم و سیاستمداران یعنی دولت است. این اتفاق بسیار مهمی است. در نظریه‌های اخوانی تئوری‌های سیاسی مذهبی از درون نص خارج شدند، یعنی از خارج نیامدند، مثلاً از فلسفه و علم نیامده است. بنابراین گفته می‌شود که فقه اخوان فقه التقاطی نیست (یعنی دین را با امر غیر دینی قاطی نکرده است) (فرمانیان، ۱۳۹۲: ۲).

حسن البناء در توصیف اصول اساسی سازمان اخوان المسلمین اعلام کرد که اخوان جنبشی است سلفی، شیوه‌ای است بنیادگرا، حقیقتی است صوفیانه، نهادی است سیاسی، گروهی است پهلوانی، انجمنی است فرهنگی و علمی شرکتی است اقتصادی و اندیشه‌ای است اجتماعی. او اضافه کرد که تفکر آنان از اسلام سرچشمه می‌گیرد که در تمامی زمینه‌ها رهنمودهای اصلاحی اساسی به آن‌ها داده است (الحسینی، ۱۳۷۷: ۸۰).

نتیجه آن که اخوان المسلمین، سلفی معتدل تقریبی است، با رویکرد سیاسی یعنی دنبال حکومت اسلامی است. تفکر اخوان نیز تفکر خاصی است که در میانه جریان‌های فکری متفاوت قرار گرفته است. به معنای دیگر اخوان به لحاظ کلامی، نه اشعری و نه معتزلی است و از لحاظ فقهی نیز نه مالکی و نه حنبلی و شافعی است، بلکه میان آن‌هاست. این امر سبب شده اخوان به شدت مورد هجوم سلفی‌ها قرار گیرد (فرمانیان، ۱۳۹۲: ۲).

۳-۵. دانش اخوان

اخوان المسلمین دو دانش تأسیس کرده است: یکی دانش بنیادی دین‌شناسی یا همان فقه مقاصدی و دوم، دانش اجرایی است. دانش بنیادی، کاملاً فقهی است و تلاش می‌کند تئوری خود را از نص بگیرد نه از فلسفه‌ها. به بیان دیگر در اندیشه اخوان اصولاً التقاط جایی ندارد. تمام نوآوری‌ها درون دینی است. در تئوری مقاصدی پنج حوزه وجود دارد: حفظ جان، مال، نسل، عقل و دین. اخوان و البته فقه مقاصد معتقد است تمام هدف دین و شریعت حفظ همین موارد است.

اخوان همین پنج مورد را نیز دسته‌بندی کرده: ضروری، ثانوی، رفاهی و توسعه‌ای. می‌بینیم اخوان حتی تئوری توسعه اسلامی را هم ایجاد کرده است. در این نظریه‌ها، اخوان کاملاً چهره فقهی دارد و از اندیشه‌های فقهی آن روشن‌اندیشی چون غزالی، قرضاوی و سلیم العوآء استفاده کرده است. اما قسمت دوم کار اخوان کاملاً تکنیکی است. یعنی کارگزاران سیاسی در آن بخش فعالیت می‌کنند. افرادی چون مرسی و محمد بدیع (مرشد فعلی اخوان) در آن حضور دارند. این بخش اخوان کاملاً عرفی و عقل‌گرا است. علوم انسانی را به استخدام خود در می‌آورد. پس در اندیشه اخوان، علوم انسانی در مقابل فقه قرار ندارد، بلکه بازوی آن است. درست به همین دلیل است که حکومت و تمام نهادهای آن را مدنی دانسته و آن‌ها را به فقه متصل نمی‌کند. فقیه در مقابل یک دانشمند و دانشگاهی نیست، بلکه در کنار هم هستند و به یکدیگر اطلاعات می‌دهند (فرمانیان، ۱۳۹۲: ۲).

۳-۶. اندیشه سیاسی اخوان

در اندیشه‌ی سیاسی حسن البناء سازمان نظام سیاسی و دولت اسلامی بر سه اصل اساسی متکی است:

الف) قرآن به عنوان قانون اساسی؛

ب) نظامی شورایی؛

ج) التزام حاکم به تعالیم اسلامی و اراده‌ی مردم.

حکومت بر اساس این اصول حکومتی، دادگر و نیرومند، و با عرف جامعه همگام خواهد بود و مصالح عمومی را تحقق خواهد بخشید. عمل بر اساس شریعت و قوانین اسلامی برای دولت اسلامی ضروری و لازم است. حاکم باید مسلمان، مرد، بالغ، عاقل، رشید، سالم، عالم به فقه اسلامی، عادل، متقی و مدیر باشد. بر خلاف تفکر اندیشمندان سنتی اهل سنت حاکم لازم نیست قریشی باشد. از نگاه حسن البناء امت یا ملت منشاء واقعی سلطه‌ی دولت است و حسن البناء رابطه زمامدار و ملت را یک قرار داد اجتماعی می‌داند که در آن زمامدار نقش عامل و خادم ملت را دارد، لذا با حکومت موروثی کاملاً مخالف است. در اندیشه‌ی حسن البناء حکومتی که از راه غلبه و زور مثل کودتا به دست آید مشروع نیست و احترامی ندارد.

شاید همین تفکر در مورد حاکم اسلامی است که از تفکر اخوان در دیدگاه صاحب‌نظرانی چون حسن رحیم پور ازغدی (رحیم پور ازغدی، ۱۳۹۲: ۲)، قنادباشی کارشناس مسائل سیاسی (قنادباشی، ۱۳۹۲: ۳) به نسخه‌ای از اهل سنت مطابق نظر امام خمینی رحمت الله علیه، نسخه سنی شده ولایت فقیه و نزدیک‌ترین قرائت به انقلاب اسلامی تعبیر شده است.

لیکن با در نظر گرفتن اعتقادات اخوان در مورد حکومت اسلامی تا کنون هیچ مدل اجرایی حکومتی از سوی آن‌ها تدوین و ارائه نشده و تنها به ذکر مشخصات کلی یک حکومت اسلامی مطلوب پرداخته‌اند.

۳-۷. استکبار ستیزی، مسئله فلسطین

در سال ۱۳۱۴ ه.ش. / ۱۹۳۵ م. (عبدالرحمن البناء) برادر حسن البناء از فلسطین دیدار کرد. این سفر برای اولین بار توسط یکی از اعضای برجسته اخوان صورت می‌گرفت. بعد از آن اخوان با شناساندن خواسته‌های فلسطینی در سطح خاورمیانه و جهان و نیز جمع آوری و ارسال کمک‌های مردمی، به جنبش اسلامی فلسطین مدد رساند. اما بعدها این اقدامش را برای آزادسازی فلسطین نا کافی دید، و در نتیجه از سال ۱۳۲۷ ه.ش. / ۱۹۴۸ م. به همراه فلسطینی‌ها وارد جنگ علیه اسرائیل شد (الحسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۳). روندی که هم‌اکنون نیز ادامه دارد. زیرا جنبش جهاد اسلامی و حماس که از عمده‌ترین گروه‌های مبارز فلسطینی به حساب می‌آیند، شاخه‌های فلسطینی اخوان المسلمین هستند (خدادی، ۱۳۹۲: ۲).

فلسطین و مسائل آن، از جمله قضایای محوری در اندیشه سیاسی و مبارزاتی حسن البناء و اخوان المسلمین بوده است. مبارزه با انگلیس و صهیونیست‌ها در اندیشه مرشد اخوان، به عنوان بخش مهمی از مبارزه برای رسیدن به تشکیل دولت اسلامی و وحدت امت اسلامی می‌باشد. همان‌طور که اشاره شد در جنگ رژیم صهیونیستی و اعراب و حادثه تقسیم فلسطین و تأسیس دولت غاصب اسرائیل در سال ۱۹۴۸ م، حسن البناء به عنوان مجاهدی نستوه و رهبر اخوان، تمام امکانات و ظرفیت‌های تشکیلاتی سازمان را در خدمت آزادی فلسطین قرار داد و در راه بسیج مسلمانان و مجاهدین عرب از هیچ تلاشی فرو گذار نکرد. مبارزه اخوان المسلمین و رهبری آن با استعمار انگلیس و حضور مجاهدین اخوان المسلمین در جبهه‌های نبرد فلسطین علیه صهیونیست‌ها در سال ۱۹۴۸ م، عامل اصلی در صدور فرمان انحلال جماعت اخوان المسلمین و ترور حسن البناء توسط دولت مصر، طبق پرونده‌های موجود و کتاب‌ها و اسناد منتشر شده، به دستور سفارت انگلیس و آمریکا در قاهره و موافقت دربار پادشاهی مصر، بوده است (خسروشاهی، ۱۳۹۰: ۳).

اخوان المسلمین در سیاست خارجی خود، مخالف سرسخت پیشبرد سیاست عادی‌سازی روابط با اسرائیل بوده و معتقد است تنها راه آزادی سرزمین‌های اسلامی از دست صهیونیست‌ها، جهاد مسلحانه است (قاسمی، ۱۳۹۲: ۳).

۳-۸. وحدت اسلامی

از زمانی که جماعت تقریب بین مذاهب اسلامی تأسیس شد حسن البناء و آیت الله قمی در تأسیس آن سهیم بودند. همکاری میان اخوان المسلمین و شیعیان برقرار شد که در نهایت به دیدار

نواب صفوی در سال ۱۹۵۴م از مصر منجر گردید. «اتحاد و عدم تفرقه»، اصلی بود که وی در مراحل مختلف تبلیغی از آن الهام می‌گرفت و از آن تحت عناوینی نظیر وحدت مسلمین، برادری و اخوت اسلامی دفاع می‌کرد، و با مد نظر قرار دادن تشتت مذهبی جامعه‌ی مصر، سعی داشت بر مسائلی تأکید کند که جنبه‌ی اختلافی نداشته باشند، و آن‌ها را ضمن قرار دادن در یک جبهه‌ی واحد، علیه استعمار بسیج کند. حسن البناء در مراسم حج ۱۹۴۸ با آیت الله کاشانی دیدار کرد و میان آن‌ها تفاهمی برقرار گردید، و برخی از دانشجویان شیعه که در مصر تحصیل می‌کردند به جنبش اخوان المسلمین پیوستند (شقاوی، ۱۳۷۵: ۱۶۸). البناء عضو دارالتقریب مصر بود. التلمسانی می‌گوید:

«هر گاه با البناء در مورد دعوی شیعه سنی بحث می‌کردم می‌گفت این حرف‌ها را ول کن.

شیعه هم یک مذهب اسلامی است».

این در میان اصول اساسی اخوان مانده است (فرمانیان، ۱۳۹۲: ۳)

۳-۹. سید قطب

بسیاری از پژوهشگران و آگاهان به قضایای اخوان المسلمین بر این باور هستند که اندیشه سید قطب در واقع امتداد فکری حسن البناء است و میان اصول فکری این دو اختلاف بنیادین زیادی نیست. حسن البناء در طول حیاتش به ایجاد و اصلاح و سازماندهی جمعیت اهمیت داد و سید قطب به ساختار فکری و عقیدتی گروه اهتمام ورزید. سید قطب و اندیشه‌های او به‌عنوان یک نقطه عطف در فعالیت‌های جنبش اخوان محسوب می‌گردد و کتاب «معالم فی الطریق» او راهنمای جنبش اسلامی در سال‌های پایانی دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی می‌باشد. اندیشه سید قطب، باعث نوعی تقسیم در جماعت اخوان المسلمین و شکل‌گیری شعبه‌های جدید متعدد در آن شد. نوشته‌های سید قطب راهنمایی برای افکار و اعمال «جنبش جهاد اسلامی» می‌باشد و کتاب «معالم فی الطریق» او یک تحلیل انقلابی است که به صراحت دعوت به سیر در راه جدیدی می‌نماید که با راهی که گروه اخوان المسلمین طراحی کرده بودند، تفاوت دارد (مهدی بخش، ۱۳۸۵: ۱۸۵). تحلیلگران اندیشه سید او را متأثر از چند نفر می‌دانند:

≠ **ابن تیمیه:** سید قطب در زمینه مخالفت با موضوعات مجرد فلسفی و تأکید بر تعبیر و تفسیر تحت اللفظی برداشت‌های اسلامی، از شیوه ابن حزم، ابن تیمیه و شاگردان او پیروی کرد. سید نیز مانند ابن تیمیه جوامع را به دو گروه تقسیم می‌کند که در یک طرف، نیروهای خوب قرار دارند و در طرف دیگر نیروهای بد (شیطانی) و حد میانه‌ای وجود ندارد. در واقع اهمیت سید قطب در این است که استدلال‌های استفاده شده توسط ابن تیمیه علیه حکمرانان کافر را به‌گونه‌ای تفسیر کرد که بتوان آن‌ها را به مشکلات اسلام در دنیای مدرن تعمیم داد (مهدی بخش، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

≠ **حسن البناء، مؤسس جماعت اخوان المسلمین مصر**

≠ ابو الاعلی مودودی، بنیانگذار جماعت اسلامی پاکستان

سید قطب یک متفکر و اندیشمند اشعری مذهب بوده که در دوره رادیکال زندگی خود به خصوص خواستار تحول عظیم اجتماعی است و این اصلاح را ممکن نمی‌داند مگر در سایه یک تحول و دگرگونی حقیقی عقیدتی. از طرفی آن چه که در کلام و فلسفه اسلامی مطرح است را نا کار آمد می‌داند و آن را منحرف معرفی می‌کند. سید معتقد است که روش بیان یک حقیقت با توجه به نوع آن حقیقت مشخص می‌گردد. پس فلسفه و کلام نمی‌تواند در زندگی انسان پویایی و کار آمدی داشته باشد، چون اسلوب آن غیر اسلامی است و برای بیان عقیده ویژگی لازم را ندارد. وی راه حل قطعی را در این می‌بیند که همه آن چه با نام فلسفه اسلامی بر آن اطلاق می‌گردد و همه مباحث علم کلام و جدل برانگیخته شده در میان فرقه‌های اسلامی در طول عصرهای مختلف حیات اسلامی، یکجا کنار گذاشته شود و با بازگشت به سوی قرآن، همه قواعد و مفاهیم اندیشه عقیدتی اسلام به صورت مستقیم از آن دریافت شود و به صورت مستقل در یک سیاق قرآنی ارائه گردد (سیاوشی، ۱۳۸۹: ۴۹۶).

محاسن روش قرآنی در این باره از دید سید قطب این است که قرآن روش پویا و نشاط انگیزی در قالب استقراء و مشاهده دارد و هیچ‌گاه حقیقت را در عبارت نمی‌ریزد و حقایق بشری را به صورت ساده بیان می‌کند. کتاب خصائص التصور الاسلامی سید در بر گیرنده مسائلی است برای تصحیح بینش و نگرش عقیدتی مسلمانان و برای کار آمد جلوه دادن اندیشه اعتقادی اسلامی (قطب، ۱۹۸۸: ج ۶ / ۳۵۳) از نظر وی معرفت عقیدتی باید در عالم واقع به نیروی تهاجمی مبدل گردد. این به خاطر این است که هدف وی حرکت آفرینی است و فلسفه خالی از تحرک خارجی است. روش مفسر فی ظلال القرآن، دریافت مستقیم قواعد اعتقادی و ضوابط و مقررات ایمانی از قرآن و کنار گذاشتن هر گونه قاعده و ضابطه پیشین به هنگام مواجهه با آیات قرآن می‌باشد.

با دیدگاهی که سید نسبت به الهیات و حاکمیت خدا بر همه امور دارد، بازگشت به اسلام نخستین را چاره مشکلات جوامع اسلامی می‌داند. آثار سید در جریان فکری سیاسی سلف گرایی یا رادیکالیسم اسلامی طبقه‌بندی می‌شود. این جریان فکری در دوران معاصر در جهان اسلام شکل گرفت و از ویژگی‌های آن انکار و نفی روند کلی حاکم بر جهان معاصر، تأکید بر لزوم مراجعه به بنیادهای اصلی دین اسلام و رد هر گونه تفسیر تاریخی از این بنیادهاست. اصول ایدئولوژیک وی عبارتند از:

≠ سیستم اجتماعی - سیاسی مسلط بر جهان اسلامی و غیر اسلامی معاصر، سیستم جاهلیت آمیخته با گناهکاری، بی عدالتی، رنج و انکار ارشاد الهی اسلام است (قطب، ۱۹۶۴: ۱۶۶).

≠ وظیفه مسلمانان با ایمان این است که برای تبدیل جامعه جاهلی، از طریق دعوت و جهاد و پیکار جویانه به تجدید حیات اسلام دست بزنند.

≠ تبدیل جامعه جاهلی به جامعه راستین اسلامی، به عهده مسلمانان پیشتاز فداکار است (قطب، ۱۹۶۴: ۹ و ۱۰).

≠ هدف نهایی مسلمانان متعهد باید استقرار حاکمیت خداوند در روی زمین باشد، تا به این وسیله تمام گناهان، رنج‌ها، و فشارها رفع شود (قطب، ۱۹۶۴: ۸).

در هر صورت باید پذیرفت که سید قطب جامعه را به جامعه اسلامی و جامعه جاهلی تقسیم‌بندی کرد که در جامعه اسلامی، شریعت و احکام اسلام اجرا می‌شود و اما در جامعه جاهلی، شریعت دین مبین اسلام جایگاهی ندارد. سید قطب در تفسیرش (فی ظلال القرآن) اندیشه‌های اسلام را به خوبی مطرح کرده و چگونگی حیات اجتماعی در پرتو تعالیم قرآنی را تعریف کرده است. البته پیروان فکری سید قطب اغلب در زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌های ناصر پرورش یافتند، همان‌طور که جناح‌های جهادی و تکفیری درج و خفقان و استبداد ناصری به وجود آمدند. اما حسن الهضیبی مرشد دوم اخوان در زندان - در سال ۱۹۶۹ م - اندیشه‌ها و افکار حرکت اخوان المسلمین را بازبینی کرد و کتاب «دعاه لا قضاة» را بر اساس کتاب اصول العشرون «اصول بیست گانه» مرشد اول نوشت و در واقع دگر بار به مرجعیت فکری بنیانگذار اخوان حسن البناء برگشت. این کتاب ضمن تبیین اندیشه اعتدالی اخوان، به نقد فکر و اندیشه افراطی جریان تکفیری جماعات سلفی و جهادی پرداخته است که بعضی‌ها مدعی هستند تحت تأثیر افکار سید قطب به وجود آمدند. پیدایش حرکت‌های اسلامی معاصر با شعار «لا حاکمیه الا لله» در مصر آغاز شد. این شعار که در اندیشه اخوان المسلمین و دیگر گروه‌های دینی، شکل یک اصل اعتقادی استوار به خود گرفته بود، موجب بروز خشونت‌ها و تندروی‌هایی شد. نتیجه عملی این شعار آن بود که جماعت‌های دینی، زبان به تکفیر اعضای جامعه گشودند و معتقد شدند با دست یافتن به قدرت در جامعه می‌توانند حاکمیت خداوند را مستقر کنند (خسروشاهی، ۱۳۸۹: ۵۶).

مهم‌ترین ایده سید در پاسخ به سؤال می‌گنجد که جهان اسلام چه وضعیتی دارد؟ «جاهلیت». وضعیت مطلوب چیست؟ «حاکمیت الله و عبودیت مطلقه». راهکار برای رسیدن به این مطلوب چیست؟ «جهاد در سه مرحله»:

≠ مرحله اول تبلیغات

≠ مرحله دوم تشکیل گروهی کوچک مسلمان خالص به نام پیشتازان فداکار و تبلیغ وسیع

≠ مرحله سوم جهاد عملیاتی

هم‌چنین است که حکومت از دیدگاه سید قطب برای تداوم استقرار خود به سه پایه اتکا دارد:

الف) **عدالت فرمانروایان:** اسلام در قبال اختیارات و آزادی‌هایی که به حاکم داده و او را بر جان و مال مردم مسلط کرده، امام و حاکم را مقید به اجرای عدالت نیز کرده است؛ یعنی تا زمانی سلطه‌ی او را قانونی می‌داند که با زیر دستان خود به عدالت رفتار کند.

ب) **فرمانبرداری افراد:** در حکومت اسلامی اگر حاکم عادل باشد و یا به‌طور کلی تمامی شرایط یک حاکم لایق را داشته باشد در صورتی می‌تواند اجتماع اسلامی را به پیش برد که مردم فرمانبردار او باشند. به عبارت دیگر ممکن است یک حاکم برای حکومت کردن حقانیت داشته باشد اما مشروعیت نداشته باشد.

ج) **مشاوره میان فرمانروایان و مردم:** سید قطب در تفسیر خود در ذیل آیه «و امرهم شوری بینهم» به این نکته اشاره می‌کند که امر به شوری فقط مخصوص حکومت و دولت نیست بلکه شامل تمام مراحل زندگی فرد می‌شود. به عبارت دیگر هر جماعتی از مسلمین که تشکیل می‌شود باید در امور شان با هم مشورت کنند چه این جماعت دولتی تشکیل داده باشد و چه تشکیل دولت نداده باشد (سوزنگر، ۱۳۸۳: ۲۳۱).

۴. تفکرات بنیادین اخوان المسلمین سوریه

با آن که نام اخوان المسلمین سوریه بنا بر عملکرد تاریخی خود با خشونت عجین شده، اما به‌طور اصولی اخوان در هیچ‌جا معتقد به کار خشونت بار و عملیات نظامی و مقابله با رژیم نبود. این فرق بین مصر و سوریه وجود دارد که خودش را به‌خصوص از سال ۱۹۶۳م. و روی کار آمدن بعثی‌ها نشان می‌دهد. دو عامل باعث می‌شود که اخوانی‌های سوریه با بعثی‌ها درگیر شوند.

عامل اول، لائیک بودن رژیم یا غیردینی بودن آن است. در مصر هم رژیم جمال عبدالناصر لائیک است هم سادات و هم مبارک لائیک بودند. در سوریه هم رژیم لائیک است. منتهی در سوریه رژیم به علوی بودن متهم است اما در مصر این‌گونه نیست. مصر درست است که حکومت لائیک است اما سنی محسوب می‌شود. این‌گونه است که انور سادات به نماز می‌رود و جای سجده بر پیشانی دارد. حسنی مبارک هم در نماز عید و غیر آن شرکت می‌کرد. بنابراین، در فقه سیاسی آن‌ها این مسأله پیش می‌آید که آیا قیام علیه حاکمی که با غلبه حاکم شده جائز است یا خیر. می‌گویند تا زمانی که مسلمان است و نماز می‌خواند ولو این‌که جائز هم باشد قیام علیه این حاکم جایز نیست. اما در سوریه وقتی حافظ اسد در رأس کار قرار می‌گیرد از نظر اخوانی‌ها حافظ اسد یک علوی است و آن‌ها علوی‌ها را تکفیر می‌کنند. لذا این موضوع یعنی این‌که رژیم علوی هست و سنی نیست یعنی از نظر آن‌ها مسلمان نیست، باعث می‌شود که با رژیم در بیافتند.

دوم این که لائیک افراطی است و ضد دین است؛ به عنوان مثال در اصل سوم قانون اساسی رئیس جمهور را متدین به اسلام می‌داند و فقه اسلامی را منبع اصلی قانونگذاری معرفی می‌کند ولی حکومت را اسلامی نمی‌داند و حرفی از مسئولیت حکومت در مقابل خداوند و اجرای احکام الهی نمی‌زند (مهتدی، ۱۳۹۰: ۳۲).

سعید حوا، رهبر ایدئولوژیک جنبش اسلامی سوریه که بعد از عدنان سعدالدین مقام دوم را داشت، در ۹ نوامبر ۱۹۸۰ م. جبهه اسلامی اعلامیه‌ای را که حاوی برنامه‌اش بود صادر کرد که در منشور جنبش در ژانویه ۱۹۸۱ منتشر گردید. جبهه‌ی اسلامی در اعلامیه خود بیهوده تلاش می‌کرد تا میان علویان شکاف ایجاد کند و تمام عناصر مخالف را پشت سر خود جمع کرده و مفاهیم اسلامی را با لیبرالیسم و دمکراسی ترکیب کند. نکات عمده‌ی این اعلامیه برای نشان دادن ویژگی‌های منحصر بفرد جنبش اسلامی سوریه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با جنبش‌های مصری، عراقی، سعودی و کشورهای دیگر عربی، آموزنده است. اعلامیه‌ی جبهه‌ی اسلامی، همانند منشور آن، نشانگر نفوذ بی‌چون و چرای ایدئولوژیک حسن البناء، رشید رضا، مصطفی السباعی، سیدقطب و سعید حوا بود. با وجود این، نقاط مشترک میان ایدئولوژی‌های اسلام‌گرایان مصری و سوری نباید باعث انکار و پوشیده نگاه داشتن اختلافات عمده‌ی آن‌ها شود:

۱- باتوجه به ناهمگونی و عدم تجانس سوریه، برنامه جبهه فاقد صلابت ایدئولوژیک مخصوص ایدئولوژی‌های جوامع بنیادگرای مصری است.

۲- ایدئولوژی و برنامه جبهه، منعکس کننده‌ی پراگماتیسم وسیع و فقدان باریک‌بینی‌های پیچیده عقیدتی و بحث و جدل‌های ویژه‌ی جوامع اسلام‌گرای مصر است.

۳- گروه‌های تشکیل دهنده جبهه‌ی اسلامی سوریه به ایدئولوژی واحدی متمسک می‌شوند که بیانگر جریان اصلی بنیادگرایی سنی است. تمایلات مهدی‌گرایانه (مسیحایی) همانند مورد گروه التکفیر و الهجرة، نقشی در بنیادگرایی سوری نداشته است.

۴- اخوان سوریه و شرکای کوچک‌ترین در جبهه اسلامی، آمادگی بیش‌تری از اخوان مصر و شاخه‌های آن برای اعلام جهاد گسترده علیه دولت سوریه داشته‌اند. پدیده‌ی مذکور ممکن است ناشی از این باشد که اسلام‌گرایان سوریه انگیزه‌ی بیش‌تری برای جنگ با «رژیم فرقه‌ای» نامشروع سوریه دارند، تا بنیادگرایان مصری که تحت یک حکومت سنی به سر می‌برند.

اعلامیه هم‌چنین منعکس کننده‌ی تلاش‌های دقیقی است که از سوی جبهه‌ی اسلامی برای جلب حمایت مردم سوریه از برنامه‌اش صورت می‌گیرد. سند فوق آزادمشانه‌ترین تعبیر از نظریه اسلامی و عمل سیاسی را ارائه می‌دهد، و به این ترتیب، دیدگاه آشتی طلبانه‌ای در قبال جلوه‌های مختلف تفکر اسلامی، طبقات و گروه‌های شغلی متفاوت، و حتی اقلیت‌ها، اتخاذ می‌کند. این انعطاف پذیری غیر معمول، با توجه به وظیفه‌ی عظیم جبهه یعنی سرنگونی رژیم بعثی، بیش‌تر ضروری

تشخیص داده شد. آن چه که از دیدگاه جبهه «خطر» قلمداد می‌شود (یعنی حزب بعث)، زبان‌های سنگینی بر جنبش اسلامی وارد کرده است. اخوان المسلمین رژیم را متهم کرد که ویژگی «فرقه‌ای» دارد و از «مسلمانان دروغین» تشکیل شده است. این در واقع به ایدئولوژی غیر مذهبی حزب بعث و «موقعیت سؤال بر انگیز» فرقه‌ی علوی در اسلام اشاره داشت (کمجیان، ۱۳۸۳: ۴۳).

۵. نتیجه‌گیری

مطالعه و بررسی تفکرات بنیادین جریان‌های عمده فکری موجود در جنبش اخوان المسلمین ما را به این نتیجه می‌رساند که اخوان المسلمین دارای دو جریان اصلی سلفی اصلاحی و سلفی تکفیری است که این دو دستگی پس از انتشار آثار سید قطب بوجود آمد. اگرچه که نحله‌های فکری دیگری نیز قابل بررسی هستند.

شعبات مختلف اخوان المسلمین در نقاط مختلف دنیا ذیل این افکار متفاوت خود را جزو تشکیلات اخوان می‌دانند. عملکرد متفاوت اخوان المسلمین سوریه نیز نه بخاطر عدول از افکار بنیادین اخوانی است بلکه بخاطر غلبه گروه‌های سلفی تکفیری اخوانی و هم‌چنین مذهب غیر سنی حاکم سوریه است.

در تفسیر تفاوت عملکرد اخوان سوریه و مصر شاید نباید بدنبال کشف تفکرات بنیادین متفاوتی بود و باید دلیل آن را در شرایط متفاوت دو کشور و روحیات متفاوت برخی اعضا اخوان در این کشورها جستجو کرد.

منابع

- البناء، حسن (۲۰۱۰). **من تفسیر البنا للقرآن الکریم**. ج ۱، قاهره: دار الکلمه للنشر والتوزیع.
- (۱۳۸۸). **پیام بیداری: مجموعه رسایل امام حسن البناء از دیدگاه اهل سنت**. مترجم مصطفی اربابی، تهران: احسان.
- (۱۳۷۴). **خاطرات زندگی حسن البناء**. ترجمه ایرج کرمانی، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
- الحسینی، اسحاق موسس (۱۳۷۷). **اخوان المسلمین؛ بزرگترین جنبش اسلامی معاصر**. ترجمه‌ی سیدهادی خسروشاهی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- السمان، محمد عبد الله (۱۹۵۸ م). **الاسلام المصفی**. مصر: مؤسسه الخانجی.
- خدادی، حسن (۱۳۹۲). **جنبش‌های اسلامی در فلسطین**. تهران: ایده سبز.
- خسروشاهی، هادی (۱۳۸۹). «بررسی نقش اخوان المسلمین در مصر»، **نشریه پنجره**، شماره ۶۲.
- (۱۳۹۰). «نگاهی به میراث فکری اجتماعی «شیخ حسن البناء» مؤسس و مرشد اخوان المسلمین»، سایت شخصی سید هادی خسروشاهی.
- دگم‌جیان، هرایرد، (۱۳۸۳). **اسلام در انقلاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب**. ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.
- رحیم پور ازغدی، حسن (۱۳۹۲). «اخوان المسلمین، نزدیک‌ترین تشکیلات سنی مذهب به انقلاب اسلامی»، **چهارمین گردهمایی سالانه امت واحد**، ۹۲/۰۴/۲۶.
- رزق، جابر (۱۳۸۴). **دین و دولت در اندیشه حسن البناء**. ترجمه محمدجواد حجتی، تهران: اطلاعات.
- سوزنگر، سیروس (۱۳۸۳). **اندیشه‌های سیاسی سید قطب**. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- سیاوشی، کرم (۱۳۸۹). **تحلیل انتقادی مبانی و روش تفسیری سیدقطب در فی ظلال القرآن**. تهران: امیرکبیر.
- شقاقی، فتحی (۱۳۷۵). **جهاد اسلامی**. ترجمه‌ی سید هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات.
- عبدالحمید، صائب (۲۰۰۲). **ابن تیمیه حیات و عقائده**. بیروت: الغدیر للطباعه والنشر والتوزیع.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۲). «از وهابیت تکفیری تا اخوان المسلمین»، **چهارمین گردهمایی سالانه امت واحد**، ۹۲/۰۴/۲۶.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۲). «کلام و فقه در اندیشه سیاسی اخوان المسلمین». **روزنامه بهار**، شماره ۱۷۵.
- قاسمی، میثم (۱۳۹۲). «سلفی یا فلسفی»، تهران، **روزنامه بهار**، شماره ۱۷۵، تیرماه.
- قطب، سید (۱۹۶۴). **المعالم فی الطریق**. بیروت: دارالشروق.
- (۱۹۹۵). **العداله الاجتماعیه فی الاسلام**. قاهره: دار الشروق.
- (۱۹۸۸). **فی ضلال القرآن**. بیروت دارالشروق.
- قناد باشی، جعفر (۱۳۹۲). «اخوان المسلمین و شرایط امروز مصر»، سایت مشرق نیوز.
- مهدتی، محمد علی (۱۳۹۰). «شورشیان آرمان خواه، فراز و فرود اخوان» **مهرنامه**، شماره ۱۸.
- مهدی بخش، احمد (۱۳۸۵). «سیدقطب و اسلام‌گرایی معاصر»، **دانشگاه باقرالعلوم**، ش ۳۳، بهار.

شعبہ اسلامیات، جامعہ اسلامیہ، کراچی

برائے علم و تعلیم